

طراحی مدل توسعه و توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار در زمینه ارتقاء تاب آوری با رویکرد گراند تئوری (مورد مطالعه: مددجویان تحت پوشش کمیته امداد لرستان)

مجید طائف^۱، مهرداد نوابخش^۲، رضا اسماعیلی^۳

چکیده

توانمندسازی فرآیندی است که طی آن مددجویان تحت پوشش کمیته امداد از نیازها و خواسته های درونی خود آگاه می شوند و با کاهش تنش های موجود در زندگی جرات دستیابی به هدف را در خود تقویت می کنند و از توانایی لازم برای عملی ساختن خواسته های خود برخوردار می شوند. هدف از انجام این پژوهش، طراحی مدل توسعه و توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار خانواده های تحت پوشش کمیته امداد است. این پژوهش دارای رویکردی کیفی بوده و از روش نظریه داده بنیاد (گراند تئوری) به عنوان روش تحقیق استفاده شده است. روش گردآوری داده ها، مطالعه اسناد بالادستی و مصاحبه های عمیق و باز با ۳۱ نفر از نخبگان آگاه از موضوع مورد بحث است. روایی این پژوهش توسط مصاحبه شوندگان و سپس اساتید متخصص مورد بررسی قرار گرفت و تأیید گردید. پایایی نیز با استفاده از روش مطالعه حسابرسی فرآیند نتایج ۰٫۷۶ به دست آمد. برای تحلیل داده ها از روش مقایسه مداوم در طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که تئوری جوهری طراحی مدل توانمندسازی رفاه اجتماعی دارای ده مولفه ارتقاء طراحی مکانیزم های توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار، گسترش مکانیزم های پشتیبانی، تقویت مکانیزم پیوست فرهنگی، گسترش مکانیزم های توانایی احیاء مجدد، توسعه ظرفیت تاب آوری، بهبود توانمندی شناختی و مهارتی، ارتقاء مکانیزم های چرخه توانمندی، بسط مکانیزم سرمایه ی اجتماعی، ارتقای مکانیزم های اثر بخش، ارتقای خود کار آمدی می باشد که خود اتکایی مددجویان تحت پوشش کمیته امداد برای رفاه اجتماعی آنها در گرو اجرایی درست این مولفه ها است.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، کمیته امداد، توسعه، رفاه اجتماعی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (Email: m.taaef@yahoo.com)

^۲ استاد جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: Navabakhsh@srbiau.ac.ir)

^۳ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (Email: r.esmaeili@khuisf.ac.ir)

مقدمه

امروزه همه ملت‌ها برای حفظ ثبات و تحقق اهداف خود، شهروندان را در رأس امور می‌بینند. توانمندسازی شهروندان بی‌گمان یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها محسوب می‌شود. در کشورهای مختلف جهان بخش عظیمی از تحقیقات و منابع مصروف این حقیقت می‌شود که شهروند مطلوب برای جامعه باید دارای چه خصوصیات باشد و چگونه می‌توان این صفات و ویژگی‌ها را در اقشار مختلف جامعه توسعه داد (قلی‌پور و رحیمیان، ۱۳۸۶).

توانمندسازی، مفهومی نسبی است که متناسب با مقتضیات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌تواند تعاریف متعددی داشته باشد. از سوی دیگر بسته به زاویه‌ی نگرش افراد نیز می‌تواند متفاوت باشد؛ یک فرد روان‌شناس بیشتر بر جنبه‌های روانی توانمندسازی تأکید می‌کند، یک نخبه‌ی علوم اجتماعی، و یا یک متخصص مدیریت، نگرش متفاوتی نسبت به توانمندسازی دارند. برخی این مفهوم را محصور به فرد می‌کنند و برخی آن را به حوزه‌های اجتماعی تسری می‌دهند، گاهی آن را محدود به محیط سازمان می‌کنند و گاهی در برگیری آن را به تمام افراد جامعه تعمیم می‌دهند. واژه Empower در فرهنگ فشرده آکسفورد "قدرتمند شدن"، "مجوز دادن"، "ارائه قدرت"، "توانا شدن" معنی شده است. مفهوم توانمندسازی اولین بار در دهه ۱۹۸۰ معرفی شد مطالعات اخیر صاحب‌نظران اجتماعی نشان داده است که دستیابی به توسعه‌ی پایدار بدون مشارکت فعال خانواده‌های تحت حمایت در تمامی عرصه‌ها اعم از خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست. بررسی‌هایی که در زمینه مشارکت این خانواده‌ها در امور جامعه انجام گرفته نشان داده است که عوامل اجتماعی و فرهنگی و انتظارات متفاوت جامعه از مرد و زن موانع مهمی بر سر راه مشارکت آنها است. (کتابی و دیگران، ۱۳۸۱). توانمندسازی افراد را قادر می‌سازد که خودمختاری، کنترل و اعتمادبه‌نفس کسب کنند و با احساس قدرت فردی و جمعی، برای چیره شدن بر محدودیت‌های موجود اقدام نمایند (خانی و همکاران، ۱۳۹۱:۸۸). در یک رویکرد کلی نگر، توانمندسازی عبارت است از قدرت بخشیدن به افراد، بدین معنی که به آنان کمک شود تا حس اعتمادبه‌نفس را در خود تقویت و بر ناتوانی‌ها یا درماندگی‌های خود غلبه نمایند (گلزاری و میردامادی، ۱۳۹۲:۵۰). بر این اساس، توانمندسازی چیزی نیست که اعطا شود، بلکه فرآیندی است که از شرایط موجود، به وسیله افراد آگاه در یک جامعه معین نشأت می‌گیرد (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۲:۷۵).

از بین خانواده‌های تحت حمایت، علاوه بر سالمندان، عده‌ای از بانوان هستند که به طور خاص مورد توجه قرار می‌گیرند. زنان سرپرست خانواده‌ای که بنا به عللی از قبیل عدم ازدواج، متارکه، طلاق و یا فوت همسر، مفقودالایر شدن، اعتیاد، از کار افتادگی به طور دائم یا موقت، محکومیت به زندان، بیماری سرپرست و عوامل دیگر، مسئولیت تأمین معاش مالی را بر عهده دارند.

زنان سرپرست خانواده به عنوان بخشی از جامعه، بالقوه دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌توانند در جهت دستیابی به توسعه انسانی پایدار مؤثر باشند. برخی از ویژگی‌ها به تأیید مطالعات ملی یا بین‌المللی عبارتند از: زنان سرپرست خانوار درآمدشان را صرف بهبود وضعیت خانواده خود می‌کنند و به افزایش سطح تغذیه، رفاه و تحصیل فرزندان و افراد تحت تکفل کمک می‌کنند. بنابراین افزایش درآمد آنان به صورت مستقیم به بهبود وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده می‌انجامد.

با وجود مباحث فوق توسعه و توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار بر یک محور اساسی و اصلی دور می‌زند که در واقع همان دولت - ملت است. اما با توجه به مسأله عدم قطعیت آن، امروزه دیگر نمی‌توان رفاه را صرفاً در سطح کلاسیک آن و براساس ملاحظات تنگ‌نظرانه و صرفاً در سطح دولتی تعریف کرد. در جامعه تحت حمایت نیز امروزه موضوع برخورداری از رفاه اجتماعی از اهمیت شایان توجه‌ای پیدا کرده، بطوریکه کمیته امداد امام (ره) مجبور شده که رفاه جامعه تحت حمایت را در برنامه‌های خود بگنجانند. اما مسأله تحقیق حاضر این است که برخورداری از توسعه و توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار در بین مددجویان مربوط به چه عواملی است؟ چه عواملی باعث ارتقاء تاب‌آوری در بین مددجویان تحت پوشش مورد مطالعه می‌شود؟

اهمیت و ضرورت

از آنجا که یکی از اهداف برنامه ریزی اجتماعی، دستیابی به توسعه و توانمندی رفاه اجتماعی پایدار است، و از طرف دیگر ایجاد رفاه پایدار یکی از مهمترین دغدغه های دولتمردان در جهان کنونی است، به طور خلاصه می توان گفت که رفاه پایدار علاوه بر اینکه ضرورتی انسانی است، عنصر مهمی در پیشرفت و توسعه ی یک جامعه است. بسترهای مختلف توسعه، اقتصادی، فرهنگی و ... مستلزم وجود برخورداری از رفاه اجتماعی پایدار است. بنابراین، شکی در لزوم ایجاد و حفظ رفاه در تمام معانی آن وجود ندارد، اما بحث مهمی که پیش می آید این است که سازوکار رفاه اجتماعی پایدار چگونه باید باشد، چه نوع رفاهی مناسب جامعه تحت حمایت مورد مطالعه است؟ و چگونه می توان به آن رسید؟ با توجه به توضیحات، اهمیت مطالعه در این حوزه بیش از پیش آشکار می شود و به دنبال آن حضور و استفاده از توانمندسازی رفاه اجتماعی بسیار مؤثر ارزیابی می شود. توانمندسازی به دلیل مفروضات اصولی خود هم به رفاه اجتماعی بهای کافی می دهد و هم متناسب با ویژگیهای ذاتی مفهوم رفاه آن را صرفاً یک فرآورده دولتی نمی داند.

در مجموع پژوهش حاضر دارای دو بعد نظری و کاربردی است، بعد نظری آن به شناخت تعاریف، مفاهیم توانمندسازی رفاه اجتماعی در بین صاحب نظران می پردازد، از این رو در واقع به طور صریح و ضمنی به بررسی پاره ای از نظریات موجود در این حوزه پرداخته می شود و در نهایت می تواند یک جمع بندی کلی از نظریات موجود به ما بدهد، اما در ارتباط با بعد عملی باید خاطرنشان ساخت که این پژوهش به یکی از مهمترین موضوعات اجتماعی روز جامعه یعنی توسعه و توانمندسازی رفاه اجتماعی می پردازد. از این رو شناخت میزان توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار و عوامل تأثیرگذار بر آن در بین مردم به عنوان یکی از پارامترهای اصلی جامعه فعلی است. پس پژوهش حاضر می تواند مورد استفاده دستگاههای مختلف (مثل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بهزیستی و ...) قرار گیرد تا بتوان براساس یافته های این تحقیق در جهت برنامه ریزی برای داشتن مددجویان با رفاه بیشتر و در نهایت توسعه یافته کمک نمود.

اهداف پژوهش

هدف اصلی طراحی مدل توسعه و توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار در زمینه ی ارتقاء تاب آوری خانواده های تحت پوشش کمیته امداد است. بدین ترتیب با توجه به هدف کلی، اهداف جزئی زیر مد نظر است:

۱. طراحی استراتژی های توسعه و توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار در زمینه ی ارتقاء تاب آوری خانواده های تحت پوشش کمیته امداد
۲. شناسایی پیامدهای توسعه و توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار در زمینه ی ارتقاء تاب آوری خانواده های تحت پوشش کمیته امداد
۳. شناسایی علل و عوامل توسعه و توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار در زمینه ی ارتقاء تاب آوری خانواده های تحت پوشش کمیته امداد
۴. چگونگی شرایط مداخله ای توسعه و توانمندسازی (مددجویان، پرسنل اجرایی، محیط، ضوابط اجرایی و دستورالعمل ها) رفاه اجتماعی پایدار در زمینه ی ارتقاء تاب آوری خانواده های تحت پوشش کمیته امداد

پیشینه تحقیق

حق جو (۱۳۸۱) تحقیقی با عنوان "رفاه اجتماعی و توسعه" انجام داده است در این تحقیق آمده است که چیرگی بر فقر همواره برای دولتهای عدالت گرا به مثابه یک هدف راهبردی (استراتژیک) مطرح است. به همین سبب، سیاست ها و برنامه های توسعه تأکید بر «توزیع» و «برابری» داشته و این قبیل حکومتها به تعدیل فاصله طبقاتی اهتمام می ورزند. در ایران نیز از آغاز سال 1375 به این سوء شاهد نوسانهای زیادی در سیاست گذاری ها بوده ایم. وجود تورم پنهان و آشکار، شرایط مساعد برای رانت خواری

برخی ها، ساختار شکننده اقتصادی، جنگ نه ساله، نظام مدیریتی خنثی، رشد مشکلات اجتماعی (بیکاری، اعتیاد، و...)، گسترش کمی جمعیت زیر خط فقر وضعیت نامطلوبی را به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور تحمیل کرده و مقوله « رفاه اجتماعی » را به حاشیه عقب رانده است. (حق جو: ۱۳۸۱، ۷۵)

نتایج پژوهش نوابخش، مهرداد، فدوی، جملیه (۱۳۸۷) نشان می دهد که سازوکارهای انجام کنش جمعی در نواحی با یکدیگر تفاوت دارد. در حالی که نواحی توسعه یافته تر از سازوکارهای رسمی برای این منظور استفاده می کنند، در نواحی کمتر توسعه یافته انجام کنش جمعی نیازمند نهادهای اجتماعی غیر رسمی است که بالاتر بودن میزان مشارکت های غیر رسمی مذهبی در این نواحی گواهی بر این موضوع است.

اکاپیو (۲۰۰۹) نیز نقش سازمان های غیردولتی در توانمندسازی فعالیتهای زنان روستایی در نیجریه را مورد مطالعه قرار داده است. وی به این نتیجه رسیده است که سازمان های غیردولتی توانسته اند با طیف گسترده ای از اقدامات از طریق کسب مهارت ها در زمینه گسترش مواد غذایی، افزایش تولیدات و آگاهی های لازم در زمینه های بهداشت به توانمندسازی افراد کمک کنند. آبرهام (۲۰۱۱) در پژوهش خود با عنوان اندازه گیری توانمندسازی اجتماعی کشاورزان در هند به این نتیجه دست یافت که اجزای اصلی اندازه گیری توانمندی اجتماعی کشاورزان، قدرت تصمیم گیری و سابقه شغلی است و اعضای مسن تر گروه های خود یار کشاورزان بیشتر توانمند هستند.

الشیک و الامن (۲۰۱۳)، به تحلیل عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان داد که توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی به طور قابل توجهی تحت تأثیر دسترسی به خدمات مالی، دسترسی به فرصتهای تولید و آموزش و پرورش قرار دارد. از نظر آنها، سیاستها و استراتژی هایی که به بهبود توانمندسازی اقتصادی زنان کمک می کند، شامل افزایش دسترسی به منابع، ارائه آموزش و استفاده و ترویج قابلیت های آنان در توسعه اقتصادی است.

ابایومی و ابادات (۲۰۱۴) به نقش سازمانهای غیردولتی در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی در نیجریه پرداخته اند. یافته های تحقیق نشان داده است که عدم دسترسی به تسهیلات اعتباری، عدم دسترسی به زمین های کشاورزی و محدودیت های محیطی، عدم دسترسی به اطلاعات، عدم برنامه های آموزشی مناسب و عدم ظرفیت سازی توسط سازمانهای غیردولتی به عنوان عوامل مانع در برابر توانمندسازی اقتصادی زنان در منطقه مورد مطالعه به شمار می رود. عنابستانی و همکاران ۱۳۹۰ نیز در پژوهشی به بررسی ویژگی های مکانی - فضایی مشارکت در توانمندسازی اقتصاد روستایی شهرستان ایجرود پرداخته اند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که بسترهای لازم جهت اعمال رویکردهای مشارکت در توانمندسازی اقتصادی روستاییان در بخش کشاورزی تا حد کمی فراهم شده است. با توجه به گسترش دیدگاه های توسعه مردم محور در زمینه توسعه روستایی و اثبات فرضیه های تحقیق، تأکید بر رهیافت های مشارکتی جهت توانمندسازی اقتصادی بخش کشاورزی سکونت گاههای روستایی اجتناب ناپذیر است. چرمچیان لنگرودی ۱۳۹۱، در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی کشاورزان در استان مازندران، به این نتیجه رسید که ۲۲ درصد واریانس توانمندسازی کشاورزان این استان به وسیله چهارعامل منابع وام گیری و راهکارها عوامل مثبت و روشهای آموزشی و موانع قابل تبیین است. بیشترین وام، توسط کشاورزان استان مازندران از بانک گرفته شده است و دادن وام و اعتبارات به کشاورزان در رتبه اول راهکارها (عوامل مثبت)، برای توانمندسازی آنها بوده است. سطح سواد پایین نیز مهم ترین مانع در توانمندسازی کشاورزان این استان است. محمدی یگانه و همکاران ۱۳۹۳، آثار اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی فقرای روستایی را مورد بررسی قرار داده اند. نتایج حاصل از تحقیق آنها نشان می دهد که این اعتبارات نتوانسته است توانمندسازی اقتصادی فقرای روستایی را در بر گیرد، اما رابطه ی معناداری میان افزایش میزان اعتبارات و بهبود شاخص های توانمندسازی اقتصادی وجود دارد. به هر حال، با توجه به پیشینه مطرح، با وجود آن که تاکنون عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستاییان در ابعاد مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته، ولی در هیچ یک از این پژوهش ها، موانع و محدودیت های توانمندسازی اقتصادی

اجتماعی خانوارهای روستایی تحت پوشش کمیته امداد بررسی نشده است. نتایج پژوهش نوابخش، مهرداد، ثانوی، نسیم، (۱۳۹۳) نشان می‌دهد که ابعادی از کیفیت زندگی که بیشتر جنبه شخصی دارند، وضعیت بهتری از ابعاد کیفیت زندگی با جنبه اجتماعی دارند. کیفیت زندگی آنجا که با شرایط محیطی، اقتصادی و اجتماعی در تعامل قرار می‌گیرد، رو به پایین حرکت می‌کند و زمانی که با جنبه سلامتی در ارتباط قرار می‌گیرد، به بهبود سطح نائل می‌شود این پدیده حکایت از ضعف نسبی بنیان‌های حیات جمعی شهروندان دارد. با توجه به نتایج پژوهش برای مداخله‌گری در تغییر و بهبود سرمایه اجتماعی و به دنبال آن کیفیت زندگی در جامعه مورد مطالعه، بهترین محله‌ها، محله‌های پایین و سپس محله‌های بالاتر در سطح شهر هستند.

نوابخش و همکاران (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی به ارزیابی عوامل مؤثر بر توانمندی اقتصادی (مطالعه موردی: زنان آسیب‌پذیر در شهر تهران) پرداخته‌اند. توانمندی اقتصادی، توانایی زنان آسیب‌پذیری برای تامین معاش پایدار خود و افراد تحت سرپرستی‌شان است. این توانایی علاوه بر آن که متضمن تامین نیازهای مادی حیاتی آنها به طور مستمر است. کاهش سطح استرس و اضطراب روانی ناشی از نقصان در فرایند تامین این نیازها را به دنبال دارد. استقلال مالی، پیامد هم‌دیگر توانمندی اقتصادی زنان آسیب‌پذیر است. اساساً یکی از عوامل اصلی قرار گرفتن زنان مورد مطالعه در مواضع مادون و تحت سلطه در روابط قدرت در درون خانواده، عدم کنترل و اختیار آنها در ارتباط با منابع مالی خانواده می‌باشد که عمدتاً از سوی سرپرست قانونی خانواده، تامین می‌شوند. اشتغال و به تبع آن، درآمد زایی زنان آسیب‌پذیر به ویژه اگر با حضور آنها در بیرون از محیط خانه همراه باشد. حتی در نمونه‌های با شرایط حاد، به لحاظ قرار داشتن تحت انقیاد و سلطه طرف مقابل خود، به جدی‌تر گرفته شدن آنها و در نهایت، بهبود منزلت و موقعیت آن‌ها در ساختار روابط قدرت در درون خانواده، منتهی شده است. به موازات موارد فوق، بهبود کیفیت زندگی زنان آسیب‌پذیر چه دو بعد ذهنی و چه در بعد عینی آن، به تبع توانمندی اقتصادی، محقق شده است. توجه به سلامت جسمی، بهبود نحوه گذران اوقات فراغت، بهبود عملکرد در زمینه امور تربیتی و تحصیلی فرزندان، بهبود الگوی تغذیه، کاسته شدن تنش‌زا و اختلال آفرین بر سلامت روانی، بهبود روابط خانوادگی و مواردی از این قبیل، به کرات از سوی مصاحبه‌شوندگان به عنوان مصادیقی از ارتقای کیفیت زندگی آنها بیان شده است.

مدرس زاده، شیوا، نوابخش، مهرداد، نوزدی، حسینعلی، (۱۳۹۷) عوامل مؤثر بر توانمند شدن زنان نخبه سیاسی (مورد مطالعاتی: زنان نماینده در مجلس شورای اسلامی) به این نتیجه رسید که پیشرفت و توانمندسازی زنان در جریان اصلی توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با نهادینه شدن حضور و مشارکت زنان، میسر می‌شود. لحاظ کردن عوامل جنسیتی در برنامه‌ریزی‌ها، خط‌مشی‌ها، برنامه‌ها و راهکارهای اجرایی، از عوامل دیگر توانمندسازی زنان هستند که در این زمینه سازمان‌های غیردولتی زنان می‌توانند کمک‌مؤثری داشته باشند. نکته مهم دیگر در توانمندسازی زنان آن است که جامعه مخصوصاً زنان باید الگویی روشن برای توانمند شدن داشته باشند. عرصه‌های قابل حضور و توانایی‌های قابل حصول برای زنان باید تعریف شود و راه‌های رسیدن به آن مشخص گردد. در تعیین الگو باید هم‌راهبردهای جهانی در توانمندسازی زنان، در نظر گرفته شوند و هم‌نظام‌ارزشی، هنجاری و اعتقادی جامعه. واقعیت این است که الگوهای رشد و توانمندسازی زنان روشن نمی‌شوند؛ مگر آنکه خط‌سیر و الگوهای کلی‌تر توسعه فرهنگی - اجتماعی جامعه. بصورت روشن و شفاف تعیین شوند. در واقع این دو مقوله، به شدت با یکدیگر پیوسته‌اند. بر مبنای یافته‌های تحقیق ابعاد و ویژگی‌های توانمندشدن را می‌توان در افزایش خودمختاری و خودتعیین‌گری در حوزه‌های مختلف، دسترسی به منابع، ایجاد و افزایش آگاهی، مشارکت و کنترل دانست اما ویژگی‌های محیط و شرایط اجتماعی فرهنگی اجتماع نیز می‌توانند توانمند شدن را تسهیل کرده به مثابه مانعی در برابر آن نمایان شوند.

به بیان دیگر، تحقق توانمندی زمینه‌های اجتماعی فرهنگی سیاسی و ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی را می‌طلبد و با مشارکت و تقویت آن در ارتباط است و مشارکت به شاخص‌هایی چون سهم شدن در کنش جمعی، مشارکت در تصمیم‌گیری، مداخله و

تعیین سرنوشت خود اشاره دارد. در مجموع مطالعه ادبیات موضوع نشان می دهد که توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار دارای ابعاد گسترده است و به صورت توأمان از متغیرهای مختلف در سطح خرد و کلان تأثیر می پذیرد.

سوالات تحقیق

با توجه به اهداف تحقیق سوالات زیر در تحقیق حاضر مطرح است:

- ۱- علل و عوامل توسعه و توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار در زمینه ی ارتقاء تاب آوری خانواده های تحت پوشش کمیته امداد کدامند؟
۱. ۲- شرایط مداخله ای و بسترهای حاکم توسعه و توانمندسازی (مددجویان، پرسنل اجرایی، محیط، ضوابط اجرایی و دستورالعمل ها) رفاه اجتماعی پایدار در زمینه ی ارتقاء تاب آوری خانواده های تحت پوشش کمیته امداد چگونه اند؟
- ۲- استراتژی های توسعه و توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار در زمینه ی ارتقاء تاب آوری خانواده های تحت پوشش کمیته امداد کدامند؟
- ۳- پیامدهای توسعه و توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار در زمینه ی ارتقاء تاب آوری خانواده های تحت پوشش کمیته امداد چیست؟

روش تحقیق

رویکرد تحقیق حاضر از نوع کیفی است که با روش گراند تئوری انجام شده است. پژوهش کیفی فرآیند پیچیده‌ای است که انجام آن مستلزم صرف وقت نسبتاً طولانی بوده و داده هابه روش استنباط استقرایی تحلیل می شوند (دانایی فر و همکاران، ۱۳۸۳:۵۴). روش گراند تئوری یک شیوه ی پژوهش کیفی است که به وسیله آن با استفاده از یک دسته داده ها، نظریه ای تکوین می یابد. روش نظریه داده بنیاد معمولاً به سه شیوه اجرایی شود: شیوه سیستماتیک، شیوه نوحاسته و شیوه ی سازاگرا. در این تحقیق از روش سیستماتیک که به استراوس و کوربین نسبت داده می شود برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است. روش سیستماتیک خود دارای سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل شامل کلیه ی افراد متخصص و خبره (مددکاران کمیته امداد، مددجویانی که خود کفای شده اند و به خواتکایی رسیده اند، همکاران حوزه ی توانمندسازی، کارشناسان خبره امداد) در سطح دفتر مرکزی، دفتر استان و واحد های تابعه و همچنین صاحب نظران و کارشناسان علمی در زمینه خدمات حمایتی. محققینی که در این زمینه دارای تجربه می باشند، سیاست گذاران، مدیران ارشد هستند. که به روش هدفمند انتخاب می شوند. روش جمع آوری که به لحاظ تجربی یا نظری شناخت و توانایی لازم برای اظهارنظر در خصوص مسئله تحقیق دارند... در این مطالعه با ۳۱ مصاحبه انجام شد که از مصاحبه هفدهم به بعد، تکرار دراطلاعات دریافتی مشاهده گردید و از مصاحبه بیست و دویه بعد داده ها کاملاً تکراری و به اشباع نظری رسیده بود؛ اما برای اطمینان تا مصاحبه ۳۱ ادامه یافت. مصاحبه های عمیق توانمندسازی خانواده های تحت حمایت در کمیته امداد آغاز می شود و باقی پرسش ها براساس پاسخ های مصاحبه شونده طرح می شد.

مراحل کدگذاری در گراند تئوری: گام اول: کدگذاری باز، گام دوم: کدگذاری محوری، گام سوم: کدگذاری انتخابی و گام اول: کدگذاری باز. کدگذاری باز شامل تجزیه و بررسی، مقایسه، مفهوم سازی و بعد مقوله بندی داده هاست. در واقع می توان کدگذاری باز را جداسازی داده ها و ترسیم و الصاق مفاهیم اولیه از داده های خام دانست (فلیک، ۱۳۸۸، ص ۳۳۰) مرحله از روش نظریه داده بنیاد بلافاصله بعد از اولین مصاحبه انجام می شود. به عبارت دیگر محقق پس از هر مصاحبه شروع به پیدا کردن مفاهیم و انتخاب برجسب های مناسب برای آنها و ترکیب مفاهیم مرتبط می کند. مراحل کدگذاری باز عبارت است از مراحل کدگذاری باز عبارت است از:

۱. تحلیل و کدگذاری: در این مرحله به کدگذاری همه رویدادها توجه می شود و ممکن است از درون یک مصاحبه یا متن کدهای زیادی استخراج شود؛ ولی وقتی داده ها به طور مرتب مورد بازنگری قرار می گیرد کدهای جدید احصاء و کدهای نهایی مشخص می شوند.
۲. کشف طبقه ها: در این مرحله خود مفاهیم براساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه بندی می شوند که به این کار طبقه سازی (تم سازی) گفته می شود. عناوینی که به طبقه ها اختصاص می دهیم؛ انتزاعی تر از مفاهیمی است که مجموعه آن طبقه را تشکیل می دهند. طبقه ها دارای قدرت مفهومی بالایی هستند؛ زیرا می توانند مفاهیم را بر محور خود جمع کنند. عنوانهای انتخابی به طور عمد انتخاب شده اند و سعی بر این بوده تا بیشترین ارتباط و همخوانی را با داده هایی که نمایانگر آن است داشته باشند. منشأ مهم دیگر (عنوان ها) عبارتی است که مشارکت کنندگان در پژوهش به کار می برند و می تواند برای ما کاربرد داشته باشد.
۳. توصیف طبقه ها با توجه به خصوصیات آنها: به منظور روشن تر کردن طبقه ها، در گام بعدی خصوصیات آن ها بیان می شود.

۴. جدول کدگذاری باز: که شامل دو قسمت است، جدول کدهای اولیه استخراجی از مصاحبه ها و جدول طبقه های استخراج شده از مفاهیم به همراه کدهای ثانویه آنها.

گام دوم: کدگذاری محوری

در مرحله کدگذاری محوری از میان کدهایی که در مرحله کدگذاری باز استخراج شده اند، کدهایی که بیشترین ارتباط را با سؤالات تحقیق دارند، انتخاب می شوند و در قالب یک مقوله کلی تر معرفی می گردند.

نکته مهم در کدگذاری محوری آنکه، طبق روش اشتراوس و کربین در کدگذاری محوری برای مقوله بندی و صورت بندی کدها و نشان دادن ارتباط میان آن ها یک سری مفاهیم را در قالب یک مدل ساده معرفی می کنند برای مقوله بندی کدها استفاده شده است. به نحوی که کدهای باز را در ۴ مقوله مدل پارادایمی که عبارت اند از پدیده، علل، استراتژی و پیامد دسته بندی کرده اند (فلیک، ۱۳۸۸، ص ۳۳۴). در نهایت کدهایی که در هیچ یک از این مقولات جای نمی گرفتند طبیعتاً حذف شدند. در تحقیق حاضر از مدل پارادایمی اشتراوس و کربین که شامل ۵ محور اصلی است:

۱. شرایط علی: این شرایط باعث شکل گیری پدیده یا طبقه محوری می شوند. این شرایط مجموعه ای از طبقه ها و ویژگی هایشان است که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می دهد.
۲. راهبردها (کنشها و تعاملات): بیانگر رفتارها، واقعیتها و تعاملات هدف داری هستند که تحت تأثیر شرایط مداخله گر و بستر حاکم حاصل می شوند.
۳. بستر حاکم: به شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیری گذارند بستر گفته می شود و تمیز آنها از شرایط علی مشکل است. این شرایط را مجموعه ای از مفاهیم، طبقه ها یا متغیرهای زمینه ای تشکیل می دهند، در مقابل شرایط علی مجموعه ای از متغیرهای فعال است. گاهی اوقات متغیرهای بسیار مرتبط را ذیل شرایط علی و متغیرهایی با ارتباط کمتر را ذیل بستر حاکم طبقه بندی می کنند.
۴. شرایط مداخله گر: شرایطی هستند که راهبردها از آنها متأثر می شوند. این شرایط را مجموعه ای از متغیرهای میانجی و واسط تشکیل می دهند. شرایط مداخله گر، شرایط ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می کنند و صبغه علی و عمومی دارند.

۵. پیامدها: برخی از طبقه‌ها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آیند. این روش کدگذاری «مدل پارادایم» کدگذاری که اصطلاحاً به آن محوری گفته می‌شود توسط استراوس و کوربین ارائه شده است و به این دلیل محوری گفته می‌شود که کدگذاری حول «محور» می‌شود.

گام سوم: تشریح مرحله نظریه پردازی (کدگذاری انتخابی)

همانگونه که گفته شد، هدف نظریه پردازی بنیادی، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید به طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی (براساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه پردازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را به شکل نظام مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند اصلاح می‌کند. در این مرحله پژوهشگر بر حسب فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه، یا چارچوب مدل پارادایم را به صورت روایتی عرضه می‌کند یا مدل پارادایم را به هم می‌ریزد و به صورت ترسیم نظریه نهایی را نشان می‌دهد (دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

روایی و پایایی داده‌ها

روایی پاسخ به این سؤال است که آیا چیزی که پژوهشگر در حال مشاهده و بررسی آن است، همان چیزی است که او در حال سنجیدن و اندازه‌گیری آن است؟ در این پژوهش برای بررسی روایی، یافته‌های پژوهش را برای مشارکت کنندگان ارائه و متن نظریه توسط آنها مطالعه و دیدگاه‌های آنها اعمال شده است. در پایان، این پژوهش توسط اساتید مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفته و مواردی جهت اصلاح یا تغییر نظریه نهایی بیان شده است. پایایی به گستره تکرارپذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد. یکی از راه‌های نشان دادن پایایی، مطالعه حسابرسی فرآیند آن است. یافته‌ها آن زمانی قابل حسابرسی هستند که محقق دیگر بتواند مسیر تصمیم به کار رفته توسط محقق در طول مصاحبه را با روشنی و وضوح پیگیری کند و سازگاری مطالعه را نشان دهد. بنابراین محقق پایایی داده‌ها را از طریق نشان دادن مسیر تصمیمات خود و همچنین قرار دادن تمامی داده‌های خام، تحلیل شده، کدها، مقوله‌ها، فرآیند مطالعه، اهداف اولیه و سؤالها در اختیار اساتید راهنما و مشاور قرار داد و با حسابرسی دقیق صاحب نظران درستی تمام گام‌های تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. علاوه بر این در تحقیق کنونی از روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته استفاده شده است. برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار (ارزیاب)، از یک دانشجوی مقطع دکتری آمار درخواست شد تا به عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در پژوهش مشارکت کند؛ آموزشها و تکنیک‌های لازم جهت کدگذاری مصاحبه‌ها به ایشان انتقال داده شد. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در نظر دو نفر هم مشابه هستند با عنوان «توافق» و کدهای غیر مشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص می‌شوند. سپس محقق به همراه این همکار پژوهش، تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کرده و درصد توافق درون موضوعی که به عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد:

$$\text{درصد توافق} = \frac{\text{تعداد توافقات} * 2}{\text{تعداد کل کدها}} * 100\%$$

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل داده‌ها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی باز آزمون (درصد)
۱	اول	۹۳	۳۵	۹	۰,۷۵
۲	سوم	۱۰۹	۴۳	۱۸	۰,۷۹
۳	دهم	۵۱	۱۷	۱۱	۰,۶۶
	کل	۲۵۵	۹۵	۳۸	۰,۷۴

مفاهیم، دیدگاه ها و مبانی نظری

نظریه های متعددی در مورد توانمندسازی و فقرزدایی مورد بحث اندیشمندان بوده است. محور اصلی این نظریه ها تغییر ساختار و شرایطی است که نابرابریها را تحمیل می کند. با در نظر گرفتن اینکه نابرابری ها در هر نقطه ای از دنیا با توجه به شرایط فرهنگی، تاریخی و اجتماعی متفاوت است، این نظریه ها بر دو پیش فرض استوار است: ۱- ارتقای توان افراد برای اتکاء به خود موجب افزایش قدرت آنها خواهد شد؛ و ۲- قدرت نشانه برتری فرد نیست، بلکه کنترل منابع مادی و غیرمادی می تواند به توزیع عادلانه تر و برابری کمک نماید. از نظر طرفداران این نظریه ها، برآورده ساختن نیازهای اساسی از حقوق اولیه تمام افراد است و هر فردی باید امکان آن را داشته باشد که از توانایی ها و خلاقیت های خود استفاده کند. بنابراین اقشار ضعیف جامعه باید بیاموزند که با خود یاری و اعتماد به نفس در پذیرش و توزیع مسئولیت ها چه در خانواده و چه در جامعه شرکت کنند (زیاری، ۱۳۹۳: ۸۸).

در زمینه رفاه اجتماعی (به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم) ما شاهد نوشتارهای متعددی از یونان باستان (زمان افلاطون و ارسطو) و همچنین صدر اسلام و بعد از آن توسط اندیشمندانی مانند فارابی و... هستیم، در نظریه گیدنز، عاملیت و ساختار، برای کوچکترین مساله مانند ذهنیت فرد تا نظامهای جهانی قابل کار بست است (پیرسون، ۱۳۸۴: ۱۳۵). در نظریه ساختاری شدن، حیطه اصلی مطالعه علم اجتماعی نه تجربه فرد کشگر و نه وجود هیچ شکلی از کلیت اجتماعی است، بلکه اعمال اجتماعی است که در طول زمان و مکان نظم یافته اند. چارچوب تفکرات گیدنز بر حسب مسائل جامعه شناختی است. فرایند توانمندسازی، بر جنبه مهم پویایی روند توانمند سازی تاکید دارد؛ پتانسیل توانمند سازی نه تنها از لحاظ منابع و توانایی های شخصی مردم، بلکه از نظر قوانین و مقررات ساختار اجتماعی وجود دارد. ارتباط ساخته شده توسط گیدنز میان ساختار اجتماعی و عوامل انسانی تبیین نظری این مورد که توانمندسازی اجتماعات و توانمند سازی فردی که هم بخشی دارند را تقویت می کند (Giddens، ۱۹۸۴).

در زمینه تاب آوری خانواده می توان به نظریه مک کوپین (۱۹۹۶)، مک کوپین و والش (۱۹۹۸) اشاره کرد. مدل تاب آوری سازگاری و انطباق خانواده مک کوپین (۱۹۹۶) بر کشف و آزمودن عوامل تاب آور موجود در خانواده ها تاکید دارد. این نظریه از دو مرحله یکپارچه (مرحله سازگاری و انطباق) تشکیل شده است: ۱- مرحله سازگاری در تاب آوری خانواده، فرایندی است که خانواده تلاش می کند تا به تعادل و هماهنگی برسد ۲- مرحله انطباق خانواده ها از طریق انطباق تلاش می کنند تا با حل مشکلات خانواده و مقابله با آنها به تعادل و هماهنگی برسند. در این مرحله خانواده ها باید به کشف، تعیین و استفاده از منابع پردازند تا در مدیریت استرس و نیازهای جدیدی که به علت استرس در سیستم خانواده به وجود آمده است، کمک کنند. فیترمن (۲۰۰۵) از جمله کسانی است که در زمینه توانمند سازی نظریه دارد. نامبرده در مطالعات خود پنج سطح برای مدل ارزش یاب توانمندساز معرفی کرده است که عبارتند از (آموزش، تسهیل گری، حمایت، آشکار سازی و آزاد سازی).

نتایج پژوهش

عوامل فردی مصاحبه شوندگان

در این پژوهش، منبع اصلی داده ها مطالعه اسناد بالادستی و مصاحبه بوده است؛ به طوری که مصاحبه های ابتدایی به صورت اکتشافی و توصیفی بوده اند و به تدریج پس از انجام هر مصاحبه، کدگذاری داده های حاصل از مصاحبه ها انجام می گردید و به وسیله روش مقایسه دائمی دادهها کدهای نظری از طریق کدگذاری باز پدیدار می گردید و به همین منوال کدگذاریهای ۳۱ مصاحبه و اسناد بالادستی انجام گردید. در ادامه به دلیل محدودیت انتشار و تعداد صفحه، فقط متن یک مصاحبه (هرچند لازم به ذکر است که متن مصاحبه هایی که در اینجا آورده شده است فقط قسمتی از مصاحبه بوده است)، نحوه کدگذاری باز آنها، طبقات محوری و مدل را به ترتیب و تفصیل به معرض نمایش گذاشته شده است.

گام اول : کدگذاری باز

الف: کدگذاری اولیه یک نمونه از مصاحبه ها

جدول (۱): نمونه ای از کدگذاری اولیه مصاحبه ها

مصاحبه (B1) : کارشناسی ارشد مدیریت ، سابقه در امداد ۲۱ سال ، متاهل ، کارشناس توانمند سازی ۴۷ ساله	متن مصاحبه ها
<p>استخراج کد های اولیه (خام)</p> <p>-تعیین شرایط موجود خانواده ها تحت حمایت</p> <p>- ضرورت حداقل مشکلات زندگی</p> <p>- جلوگیری انحرافات خانوادگی</p> <p>- ضرورت ایجاد اشتغال</p> <p>- رغبت بیشتر سرمایه گذاری</p> <p>- ضرورت بازاریابی، فروش محصولات</p> <p>- کمک به اقتصاد خانواده</p> <p>- توسعه شبکه ای از مشاغل</p> <p>- ضرورت تولیدات، نظارت، بازاریابی و فروش</p> <p>- زنجیره ای پایدار</p> <p>- اعتقاد و توکل بر خداوند</p> <p>- ضرورت اعتماد به مجموعه کمیته امداد و اعضای خانواده</p> <p>- شرایط ثبات در زندگی</p> <p>- فعالیت های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی</p> <p>- سرانه های وام و بلاعوض</p> <p>- عدالت در اعتبارات</p> <p>- مشورت با حوزه های کاری امداد، خانواده و دوستان</p> <p>- پذیرش اشتباه و رفع آن</p> <p>- چالش های ذهنی و عینی و رفتاری در خانواده</p> <p>- احساسات ناخوشایند</p> <p>- بروز احساسات غم و شادی</p> <p>- ضرورت درک شرایط و تصمیم منطقی</p> <p>- در آمد پایدار خانواده ها</p> <p>- تسهیلات مسکن، اشتغال، تعمیرات مسکن و خدمات حمایتی</p> <p>- کسر هزینه های زائد</p> <p>- کمک مراکز خیریه و نیکوکاری</p> <p>- کمک های لحظه ای و آنی</p> <p>- نیازهای خوراک، پوشاک و مسکن</p> <p>- علت تحت پوشش خانواده های تحت حمایت</p>	<p>کمیته امداد با توجه به شرایط موجود خانواده ها تحت حمایت، می تواند به حداقل مشکلات زندگی خانواده کمک کند و از انحرافات خانوادگی جلوگیری نماید. در ایجاد اشتغال افراد علاوه بر شرایط موجود خانواده ها به علاقه افراد نیز توجه دارد تا با رغبت بیشتر سرمایه گذاری کند. به عنوان مثال کسی که هنر قالی بافی دارد نمی توان برای او طرح دامداری اجرا کرد. علاوه بر آن برای سایر اعضای خانواده نیز در مرحله بعدی بایستی طرح اجرا نمود تا در زمینه بازاریابی، فروش محصولات به اقتصاد خانواده کمک شود. این خانواده ها اگر به صورت شبکه ای از مشاغل ایجاد شود شبکه ای از طرح های اجرای از تولیدات، نظارت، بازاریابی و فروش ایجاد خواهد شد و به یک زنجیره ای پایدار می رسد. شک نداریم در زندگی، کسب روزی، اعتقاد و توکل بر خداوند خواهیم دانست و این اعتقاد باعث اعتماد به مجموعه کمیته امداد و اعضای خانواده می شود. افراد با داشتن شرایط ثبات در زندگی در فعالیت های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی شرکت دارند.</p> <p>کمیته امداد در سرانه های وام و بلاعوض خوب است و اگر یک مقداری اعتبارات بیشتر و عادلانه باشد مناسب تر است. قطعا در در زمان مشکل جدی علاوه بر مشورت با حوزه های کاری امداد، خانواده و دوستان، بر خدا توکل می کنم مشکلات پیش آمده را بررسی و بعد از پذیرش اشتباه و جهت رفع آن تلاش می کنم هر چند این کار چالش های ذهنی و عینی و رفتاری در خانواده ایجاد می کنند ولی تا حدودی با این شیوه ها می توانم بر احساسات ناخوشایند غلبه کنم ولی می دانم که طبیعتا هر فردی احساسات غم و خوشحالی را بروز می دهد. مثل این که در غم عزیزان غمگین و در خوشحالی آنها خوشحال باشیم. سعی می کنم که حتی المقدور شرایط خودم را درک و بهترین تصمیم را در زمانی که تحت فشار هستم، بگیرم.</p> <p>در آمد پایدار خانواده ها از محل پرداخت مستمری کمیته امداد با یارانه دو برابر، کمک های بلاعوض ، تسهیلات مسکن، اشتغال، تعمیرات مسکن و خدمات حمایتی می باشد. که می توانم در زمانی که مشکلات جدی رو به رو هستیم. هزینه های زائد را کسر می کنیم و یا صرفه جویی می کنیم و یا وام می گیریم تا مشکلات رفع شود.</p> <p>در مورد کمک مراکز خیریه و نیکوکاری ، کمک های آنها به صورت لحظه ای و مقطعی بوده و فقط نیاز های آنی خانواده را برطرف می کند و نمی تواند نیازهای خوراک، پوشاک و مسکن آنها تامین کند. مثلا نذورات ایام محرم (دهه محرم) را نمی توانند در طول سال توزیع شود. در علت تحت پوشش خانواده های تحت حمایت، اکثر خانواده ها به عنوان سرپرست خانواده و از کار افتاده گی تحت پوشش قرار می گیرند.</p>
<p>قسمتی از کدگذاری اولیه مصاحبه ی (B1)</p> <p>۱- شرایط اقتصادی و معیشتی خانواده ها نیازمند جهت تحت حمایت</p> <p>۲- حداقل مستمری و کمک های مورد به خانواده های تحت حمایت</p> <p>۳- کمک به خانواده ، آنها را از نظر انحرافات اجتماعی منع می کند</p> <p>۴- ضرورت ایجاد اشتغال و درآمد زایی برای خانواده</p> <p>۵- توجه بیشتر به خانواده ها جهت دریافت تسهیلات اشتغال زایی</p>	

۶- توجه ویژه به بازار یابی و فروش محصولات تولیدی بعنوان ثبات و پایداری در درآمد خانواده
۷- ضرورت توجه به مشاغل خانواده ، تا ضمن مدیریت بر زندگی ،درآمد مناسبی نیز کسب کند
۸- توجه جدی به نظارت کاربردی در زمان شروع طرح و بازدید در زمان اجراء
۹- زنجیره تولید از تولید ،بازار یابی ،فروش باعث ثبات مناسبی در خانواده می شود
۱۰- رمز موفقیت در کار و تداوم شرایط زندگی ،اعتقاد و توکل بر خداوند بعنوان نیروی و انرژی درونی افراد
۱۱- اعتماد به نگاه ویژه امداد ،خدمات مناسب ، کارگشایی به موقع باعث تداوم وثبات درآمدی می شود
۱۲- درآمد مناسب باعث کاهش استرس گردیده و با اعتماد به نفس بالاتر ،باعث ثبات مناسبی درزندگی می شود
۱۳- افراد با داشتن درآمد مناسب و کاهش التهاب های در زندگی ،در فعالیت های سیاسی و اجتماعی و... شرکت می کنند
۱۴- ضرورت تناسب بین سرانه های وام و رفع مشکل
۱۵- عدالت در پرداخت تسهیلات به افراد و میزان سرانه ها
۱۶- مشورت با مجموعه امداد و دوستان باعث افزایش سرمایه اجتماعی می شود
۱۷- پذیرش اشتباه و تلاش برای رفع آن
۱۸- مشکلات خانواده ها باعث چالش های ذهنی و عینی در خانواده ها می شود
۱۹- در شرایط سخت زندگی ،خانواده احساسات ناخوش خود را بروز می دهد
۲۰- کمیته امداد علاوه بر مستمری ،خدماتی مانند تسهیلات احداث و تعمیرات مسکن ،کمک هزینه ی جهیزیه ،ودیعه مسکن ،هزینه های درمانی و... نیز پرداخت می کند
۲۱- مراکز نیکوکاری بعنوان ظرفیت بوده و نباید بعنوان تهدید برای امداد تلقی گردند
۲۲- گاهی کمک های خیریه ها متناسب با نیاز افراد در طول سال پرداخت نمی گردند
۲۳- حدود ۶۰ درصد از خانواده های تحت حمایت زنان سرپرست خانوار می باشند
.....و

ب) کدگذاری ثانویه و شکل دهی مقولات

مقولات	طبقات اصلی
- شبکه سازی و اصلاح سیستم پشتیبانی - درك ضرورت استفاده از مهارت های اجتماعی - درك ضرورت استفاده از ظرفیت افراد ، NGO ها، نهاد هاو دستگاههای اجرایی - گسترش شبکه ی تولید ، بازار یابی و فروش محصولات - خوداتکایی و عدم وابستگی	بهبود توانمندی شناختی و مهارتی
- دسترسی آسان تر و سهل تر به خدمات کمیته امداد - ارتقاء و تخصصی کردن خدمات مددکاری - ارتقاء بخشی به تکمیل خدمات	ارتقاء مکانیزمهای چرخه توانمندی
- ارتباط و قدرت حل مسئله در موقعیت های بحرانی - پذیرش مشکل - انعطاف پذیری - توانایی احیاء مجدد	گسترش مکانیزم های توانایی احیاء مجدد
- تقویت ابعاد اعتقادی ، مناسبی دین - عدم مصلحت اندیشی - ارتقاء بعد شخصیتی - تقویت انگیزه ی درونی افراد - تقویت اراده تحول گرایی	تقویت مکانیزم بیوست فرهنگی
- توسعه خدمات بیمه ای - توسعه خدمات کار یابی و کارآفرینی - اجبار در آموزش (قبل ،حین و بعد از اجرایی طرح اشتغال)	گسترش مکانیزم های پشتیبانی

- نظارت کاربردی - ارائه مشاوره فنی و تخصصی در خانواده ها	
- تامین و توسعه امکانات و تسهیلات مددجویان - نقش حمایتی امداد در رفاه مددجویان - نقش پررنگ توجه به ابعاد توانمندی جهت رفاه اجتماعی پایدار - ثبات در درآمد جهت رفاه و اصلاح روشهای سنتی	طراحی مکانیزم های توانمندسازی
- اعتماد سازی و مشارکت مددجویان - بسترهای پدر سالارانه	بسط مکانیزم سرمایه ی اجتماعی
- خدمات اثر بخش - تامین مالی به موقع - بهم پیوستگی حوزه های خدماتی - خطر ورشکستگی و از هم پاشیدگی خانواده	ارتقاء مکانیزمهای اثر بخش

در مرحله بعد، کدهای اولیه (به علت تعداد فراوان آنها) به کدهای ثانویه تبدیل می شوند. چند کد ثانویه تبدیل به یک کد مفهومی می شود. در جداول زیر قسمت کوچکی از نتایج کدگذاری باز براساس کد ثانویه، کدهای مفهومی و مقولات ارائه شده است. (ج) شکل دهی طبقات اصلی: این روند شامل چند گام می باشد: اولین قدم متضمن توضیح خط اصلی داستان است. گام دوم، ربط دادن مقولات تکمیلی بر حول مقوله اصلی با استفاده از یک پارادایم (که در کدگذاری محوری توصیف شده است) است. گام سوم، مرتبط ساختن مقولات به یکدیگر در سطح بعدی است. گام چهارم، به تأیید رساندن آن روابط در قبال داده ها است. آخرین قدم، تکمیل مقولاتی است که اصلاح و یا نیاز به بسط و گسترش دارند) (دانایی فر و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۲). بدین صورت پس از تعیین مقولات، مرحله ساخت طبقات کلی نظریه است که در جدول زیر ارائه شده است.

گام دوم: کدگذاری محوری

کدگذاری محوری، مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه پردازی داده بنیاد است. هدف از این مرحله برقراری رابطه بین طبقه های تولید شده (در مرحله کدگذاری باز) است. این کار براساس مدل پارادایم انجام می شود و به نظریه پرداز کمک می کند تا فرآیند نظریه را به سهولت انجام دهد. اساس فرآیند ارتباط دهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از طبقه ها قرار دارد. بنابراین در گام دوم این پژوهش بر اساس داده های به دست آمده از مطالعه اسناد بالادستی و مصاحبه های عمیق و مقوله بندی آنها، ۱۰ مولفه مدل توانمندسازی رفاه اجتماعی به دست آمده است. تئوری جوهری طراحی مدل توانمندسازی رفاه اجتماعی دارای ده مولفه ارتقاء مکانیزمهای سازمانی، بسط مکانیزم سرمایه ی اجتماعی، طراحی مکانیزم های توانمندسازی، رشد دادن توانمندی روحی و روانی، گسترش مکانیزم های پشتیبانی، تقویت مکانیزم پیوست فرهنگی، گسترش مکانیزم های توانایی احیاء مجدد، توسعه ظرفیت تاب آوری، بهبود توانمندی شناختی و مهارتی، ارتقاء مکانیزمهای چرخه ی توانمندی می باشد.

گام سوم: تشریح مرحله نظریه پردازی (کدگذاری انتخابی)

همانگونه که گفته شد، هدف نظریه پردازی بنیادی، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده. برای تبدیل تحلیل ها به نظریه، طبقه ها باید به طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی (براساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه پردازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را به شکل نظام مند به دیگر طبقه ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و طبقه هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند اصلاح می کند. در این مرحله پژوهشگر بر حسب فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه، یا چارچوب مدل پارادایم را به صورت روایتی عرضه می کند یا مدل پارادایم را به هم می ریزد و به صورت ترسیمی نظریه نهایی را نشان می دهد (دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

مدل پارادایمی توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار

این نظریه سازوکارهایی را بیان می کند که از طریق آنها جامعه هدف (سازمانهای حمایتی، کمیته امداد امام(ره)، مددجویان تحت حمایت و....) نیازمندیهای خود را تشخیص داده و با توجه به مؤلفه های بدست آمده در صدد کسب موفقیت و پیشرفت برمی آیند و از طرفی سازمانهای حمایتی، با خوداتکاء کردن جامعه هدف خود زمینه ساز رفاه اجتماعی برای آنها بوده و در این راستا با بازسازی خدمات، بستر سازی مناسب برای رفاه آنها در سطح فردی و اجتماعی را فراهم می نمایند. برای بسط و گسترش نظریه توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار، مدلی کلی ارائه می گردد.

مدل پارادایم گراند تئوری



نمودار (۲): کدگذاری محوری بر اساس مدل پارادایم

بحث

همانگونه که در نمودار ۱ نمایش داده شده است: توجه به ارائه خدمات اثر بخش همراه با تأمین مالی آنها و بهم پیوستگی خدمات در زمینه توانمندسازی مددجویان ضروری بنظر می رسد P1. نگاه عمیق بهمراه بهبود داشته های مددجویان، زمینه ی ایجاد توانمندی مطلوبی را در آنها فراهم می نماید که در این راستا علاوه بر ظرفیت های کمیته امداد، استفاده از بستر های خیرین و موسسات وابسته به آنها به همراه ایجاد شبکه ای از تولید محصولات، بازار یابی و تضمین فروش نشان از مهارتی های افراد می باشد. بهبود توانمندی

مهارتی و شناختی افراد به‌مراه درک ضرورت ابعاد فردی و اجتماعی، زمینه ساز خود اتکایی مددجویان می‌شود p2. به عقیده a1 کارشناس ارشد امداد، کمک‌های مراکز خیریه و نیکوکاری بصورت لحظه‌ای و مقطعی بوده و فقط نیازهای آنی خانواده‌ها را برطرف می‌کند و نمی‌توان نیازهای خوراک، پوشاک و مسکن آنها را تامین نمود مثلاً نذورات ایام محرم را نمی‌توان در طول سال توزیع کرد. همچنین به عقیده کد a9 فرزند مددجو تا حدودی از موسسات خیریه در زمینه‌ی تامین معیشت کمک گرفته‌ام. بهر حال استفاده از این ظرفیت (خدمات آنها) می‌تواند گام اساسی در زمینه رفاه مددجویان و جلوگیری از التهاب در زندگی آنها برداشته شود.

توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار در زمینه‌ی ارتقاء تاب‌آوری بعنوان پدیده محوری می‌باشد. بستر سازی لازم توسط کمیته امداد، و استفاده از ایده‌های نوآورانه در زمینه‌ی کاهش التهاب همراه با ارتقاء تاب‌آوری توسط مددجویان تحت پوشش، ایجاد کننده‌ی یک رفاه پایدار می‌باشد. بیان خدمات حمایتی در مصاحبه‌های کد های a1، a9، a11، a13 دیده می‌شود. از دیگر مولفه‌های تنوع شغلی بیان گردیده است. در تنوع شغلی سمت‌گیری کردن به یک شغل، باعث اشباع بازار شده و زمینه‌های درآمدی را باچالش جدی روبه‌رو می‌کند لذا توجه به وضعیت و شرایط موجود در بازار کار و اقتصاد پیش‌رو، زمینه درآمدی مناسبی برای خانواده فراهم می‌شود p3. با وجود حمایت‌های کمیته امداد امام (ره)، می‌توان با انجام مطالعات تطبیقی، و یا استفاده مطلوب از نتایج پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی خود اتکایی مددجویان تحت حمایت اقدام به گسترش و بسط مکانیزمهای چرخه‌ی توانمندسازی نموده و مقدمات ارتقاء این مکانیزم را فراهم آورد. همچنین از الزامات حمایت از فعالیت‌ها در زمینه‌ی توانمندسازی رفاه مددجویی، توسعه مکانیزم‌های ساختاری از جمله ارتقاء، تخصصی کردن و همچنین تکمیل خدمات موجود است و ارتقاء چرخه توانمندسازی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. به بیان مصاحبه‌کننده کدهای a6، a8 و a10 بعنوان مثال سقف پرداخت کمک هزینه‌ی خرید جهیزیه، خرید و احداث مسکن، اجاره مسکن و... برای خانواده‌ها، چه اندازه جوابگوی تامین یک نیاز معمولی می‌باشد. خانواده‌های در شروع حمایتی آنها جهت دریافت خدمت، دغدغه‌های فراوانی داشته و این خواسته‌ها جهت رفع نیاز تحقق پیدا نمی‌کند. p4. البته باید این نکته را در نظر داشت که بدون تعریف و مشخص کردن پیوست فرهنگی کاری از پیش برده نمی‌شود چرا که باید تغییر در ذهنیت ایجاد و به دنبال آن تغییرات در رفتار و عمل محقق گردد به عقیده کد a1 کارشناس امداد شک نداریم در زندگی برای کسب روزی، بر خداوند اعتقاد و اعتماد داریم. همچنین کد a9 بیان می‌دارد و وقتی مشکلی برایمان پیش می‌آید بر خدا توکل کرده فکر می‌کنم و با کمک خانواده و مددکاران کمیته امداد بر مشکلات قایق می‌آیم p5.

با توجه به علت تحت پوششی افراد در مجموعه کمیته امداد، توجه به نوع جنسیت، سرپرست، تحصیلات و... تسهیل کننده رفاه مددجویان می‌باشد p6. وجود اعتماد به مجموعه‌ی کمیته امداد، زمینه ساز مشارکت مددجویان در فعالیت‌های ارائه شده می‌باشد و نوع نگاه آنها و داشتن این سرمایه اجتماعی، یک بستر شکوفایی جهت یک رفاه پایدار را فراهم می‌آورد. کد a9 از مددجویان تحت حمایت امداد معتقد است که اعتماد عامل مهمی در بنیان شکل‌گیری خانواده می‌دانم و عامل امنیت درونی می‌شناسم، همچنین کد a13 با شغل خیاطی، معتقد است که به مجموعه کمیته امداد اعتماد دارم و تا حدودی برای رفع مشکل به آنها مراجعه می‌کنم (اعتماد نهادی). همچنین کد a14 با شغل لاستیک فروشی بیان می‌کند که اعتماد بین اعضای خانواده و اقوام بسیار خوب است در برنامه‌ای کمیته امداد شرکت می‌کنم و به آنها اعتماد دارم p7.

گسترش خدمات پشتیبانی شامل ارتقاء سیستم آموزشی و تعلیم صحیح، مشاوره‌های فنی و تخصصی در خانواده‌ها و همچنین گسترش (خدمات بیمه‌ای، کاریابی و کارآفرینی)، سازکارهای مناسبی برای موفقیت‌های توانمندسازی می‌باشد. یکی دیگر از مکانیزم‌های پشتیبانی به منظور توانمندسازی مددجویان برای رسیدن به یک خروجی پایدار و اریز حق بیمه تامین اجتماعی است. به بیان مصاحبه‌کنندگان کدهای a7 و a9 و a12، این سرفصل کاری، یک سوپاپ اطمینان بخش در زندگی بوده و افراد می‌توانند

با مشارکت خود و کمیته امداد به یک در آمد باثباتی برسند. به بیان کد a12 از دیگر مکانیزم های پشتیبانی، راهنمایی و مشاوره فنی و تخصصی می باشد p8.

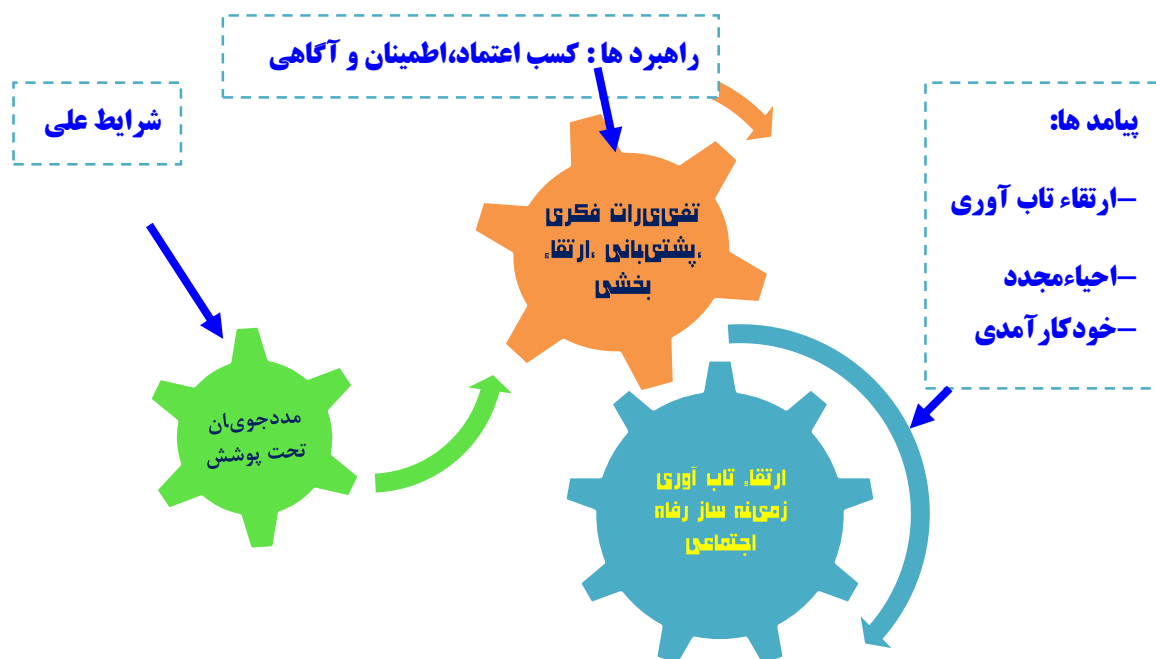
بهبود و بازگشت به حالت اولیه پس از رویاروی با شرایط سخت و به دنبال آن انطباق و سازگاری زمینه را برای ارتقاء تاب آوری فراهم آورده و باعث می شود نظام خانواده، انسجام مطلوبی داشته باشند. به بیان کد a13، ۴۰ ساله، خیاط، غالباً وقتی در آمد ثابتی برایم ایجاد می شود خودم را با آن سازگار می کنم در دو حالت، افراد می تواند داشته هایشان را با شرایط موجود تطبیق داده تا در مسیر زندگی آنها مشکلی ایجاد نشود p9. قدرت پذیرش مشکل توسط افراد و توان آنها جهت حل مسئله در موقعیت های بحرانی با انعطاف پذیری، زمینه را برای بازگشت مجدد افراد فراهم می آورد. به عقیده کد a15، ۳۶ ساله، کارآفرین، وقتی در آمد ثابتی در خانواده ایجاد می شود خودمان را سازگار می کنیم وقتی برایمان مشکلی پیش می آید با صبر و حوصله آن را حل می کنیم، تلاش می کنیم تا دوباره به حالت اولیه برگردیم و سعی می کنیم بهترین راه را انتخاب کنیم. کد a11 کارشناس امداد بیان می کند که وقتی تحت فشار هستم روحیه خوبی دارم تمرکز را از دست نمی دهم درگیر نمی شوم و با صبر مشکل را حل می کنم p10. داشتن هدف در زندگی (رفاه اجتماعی پایدار) همراه با اعتماد به نفس بالا در مسیر زندگی، همواره باعث می گردد علاوه بر رفع مشکلات فردی، زمینه ی را برای یک استقلال مالی فراهم آورده و توانمندی و خود کارآمدی مطلوبی را برای مددجویان تحت پوشش کمیته امداد ایجاد می کند. کد a11 کارشناس امداد بیان می دارد که وقتی تحت فشار هستم روحیه خوبی دارم و تمرکز را از دست نمی دهم. کد a9، ۳۰ ساله معتقد است که، شخصیت آرامی دارم و در مقابل مشکلات تمرکز را از دست نمی دهم خودم را در مقابل مشکلات توانمند می دانم و سعی می کنم بعد از مشکلات به حالت اولیه برگردم p11.

نتیجه گیری

با توجه به اینکه وضعیت های اقتصادی حاکم بر جامعه اثرگذاری مستقیمی بر رفاه اجتماعی مددجویان تحت پوشش دارد و ورود ادبیات تاب آوری به حوزه ی رفاه اجتماعی پایدار لازم و ضروری است در پژوهش پیش رو سعی گردید به این پرسش پاسخ داده شود که آیا اهل فن، خبرگان کمیته امداد و متخصصان حوزه رفاه اجتماعی پایدار و ارتقاء تاب آوری به ضرورت این ورود قائل هستند؟ آیا دو ادبیات رفاه اجتماعی پایدار و ارتقاء تاب آوری اشتراک مفهومی که متضمن اشتراک در اهداف و سیاست های نیل به آن اهداف باشد را استنباط می کنند؟ به نظر ایشان این نقاط تلاقی می تواند مدل مفهومی را جهت دستیابی به مؤلفه های مشترک در هر دو حوزه معرفی کند، به نحوی که نیازها و دلالت های سیاسی ناظر بر رفاه اجتماعی پایدار و ارتقاء تاب آوری برای مددجویان تحت پوشش کمیته امداد را توأمان فراهم کند؟ این سؤالات وقتی از اهمیت مضاعف برخوردار می شود که علی رغم همه ضرورتی که بر ورود ادبیات ارتقاء تاب آوری به حوزه رفاه اجتماعی پایدار وجود دارد؛ اما تعامل و برنامه مشترکی که حاکی از روابط مسئولانه میان نخبگان دانشگاهی و کارشناسان کمیته امداد متناظر بر رفاه و تاب آوری، بنحو مطلوب مشاهده نمی شود. بر همین مبنا نتایج این پژوهش که دیدگاه کارشناسان خبره ی امداد، مددجویان و صاحب نظران دو حوزه ارتقاء تاب آوری و رفاه اجتماعی پایدار را که اولاً ضرورت ورود سیاست های ارتقاء تاب آوری به رفاه اجتماعی پایدار است؛ ثانیاً وجود نقاط تلاقی و مؤلفه های مشترک میان دو حوزه مذکور است و ثالثاً تأکید بر صحت یک مدل مفهومی ترکیبی میان دو حوزه ارتقاء تاب آوری و رفاه اجتماعی پایدار است که می تواند مبنای توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار مددجویان کمیته امداد در زمینه ی ارتقاء تاب آوری در جامعه ی تحت حمایت باشد، بسیار مهم و قابل توجه است؛ چراکه این نظرات قطعاً می تواند زمینه علمی و عملی را برای بازتیین دلالت های رفاهی در مجموعه سیاست های کلی فراهم کرده و با نشان دادن امکان و حتی ضرورت تعامل دوسویه دو مقوله تاب آوری و رفاه اجتماعی پایدار، برنامه ریزان و نخبگان کمیته امداد امام (ره) را برای توانمندسازی آشتی دهد و زمینه تفاهم و هم زبانی بین آن ها را ممکن سازد؛ چراکه ارائه و اعتبار بخشی یک مدل مفهومی جامع میان دو حوزه این امکان را فراهم می کند که از یکسودر سیاست گذاری و تصمیم سازی های رفاه اجتماعی پایدار هم زمان هم به مقوله ی ارتقاء تاب آوری و هم

به توانمندسازی توأمان توجه شود و از سوی دیگر توجه و مسئولیت پذیری مسئولین کمیته امداد امام خمینی (ره) که به عنوان یک نهاد حمایتی افراد نیازمند زیادی را تحت پوشش دارد و بیش از هر نهاد دیگری رسالت و مسئولیت فقرزدایی و توانمندسازی افراد محروم جامعه را بر عهده دارد و در جهت سیاستهای کلی نظام که پیشرفت و عدالت است حرکت می کند، در حوزه ارتقاء تاب آوری به مسائل توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار معطوف خواهد شد.

با بهره گرفتن از نظریه گیدنز، مددجویانی که تحت حمایت قرار دارند با چالش های فراوانی در زندگی دست و پنجه نرم می کنند، این مددجویان با کسب یک سرمایه ی فردی و خانوادگی (مهارت افزایشی شغلی، مشاوره و مشارکت) بعنوان یک راهبرد به طور نسبی نه طور کامل، نسبت به رفتار خود و دیگران آگاهی کسب کرده و از بهره مند می شوند. این آگاهی شامل: تقویت انگیزه ی درونی و بعد شخصیتی، تقویت اراده تحول گرای تقویت ابعاد اعتقادی و مناسکی دین و همچنین اهمیت نقش و استفاده از خدمات بیمه ای، خدمات کاربابی و کارآفرینی، اخذ مشاوره فنی و تخصصی در خانواده ها، دریافت آموزش (قبل، حین و بعد از اجرایی طرح اشتغال) باعث می شود که رفتار آنها پیرامون مسائل زندگی، کوکوران و الابختی نبوده بلکه بر اساس این آگاهی ها جهت خود اتکایی رفتار کنند، از طرفی دیگر سعی می کنند برای این رفتار دلیل و قانده داشته باشند، شرایط موجود را تشخیص داده و با اطمینان زیاد برایشان قابل فهم باشد. چرا که اگر میزانی از اعتماد و اطمینان در زندگی نداشته باشند دچار پوچی شده و در بدنه کمیته امداد رسوب و رویکردی گدا پروری برایشان تعریف می شود (وابستگی و بخور و نمیر). بهر حال داشتن اعتماد، اطمینان و آگاهی، ضمن تحکیم قانده ها و ساختار، آنها را وادار به انجام کار می کند که با انگیزه کافی و روندی آگاهانه پس از یک التهاب، با ارتقاء تاب آوری دوباره به حالت اولیه برگشته و در مسیر زندگی عادی زندگیشان که همان خود اتکایی رفاه اجتماعی است، قرار می گیرند. البته در نظریه فیتزمن نیز عوامل (آموزش، تسهیل گری، حمایت، آشکار سازی و آزاد سازی) مورد تاکید قرار می گیرد.



همچنین با بهره گرفتن از نظریه ی مک کوبین، مک کوبین و والش، خانواده های که به دلایل فقدان سرپرست (فوت سرپرست، مطلقه، متارکه و زندانی) و سالمند بودن سرپرست تحت حمایت قرار می گیرند، زمانیکه با یک عامل استرس زا (روحي و روانی، مهارتی و شناختی) در زندگی روبه رو می شود این استرس، در عملکرد خانواده اختلال ایجاد می کند و پس از این استرس اولیه، سیستم های خانواده بر منابع مقاومتی خود تکیه می کنند. این منابع (سرمایه اجتماعی، مشاوره های تخصصی، مهارت افزایشی، بیمه های مناسب، پیوست های فرهنگی، ارتقاء بخشی خدمات، تخصصی کردن خدمات) بعنوان توانایی و نقاط قوت در اعضا می باشد

که خانواده با استفاده از آنها هم عوامل استرس زاو التهاب آور را مدیریت می کند و هم به نیازهای موجود در خانواده که همان مسیر رفاه اجتماع می باشد رسیدگی می کند. همچنین گاهی، این خانواده ها به سمت و سوی انطباق پیش رفته و با حل مشکلات خانواده و مقابله با آنها به تعادل و هماهنگی می رسند. در این مرحله خانواده ها به اهمیت توکل و اعتقاد به خداوند، نقش مشارکت و اطمینان به مجموعه کمیته امداد، اخذ خدمات مناسب به موقع پی برده ، و بعنوان راهبرد کلیدی در استفاده از منابع می پردازد تا در مدیریت تاب آوری و نیازهای جدیدی که به علت استرس در سیستم خانواده به وجود آمده است، کمک کنند.

بهر حال بعد از ایجاد عوامل استرس زا(هزینه های درمانی، تامین تجهیزات، هزینه های دانش آموزی و دانشجویی، اجاره مسکن و...) با کسب مولفه های راهبردی و توانمندی روحی و روانی، مهارتی و شناختی یک انطباق و الگوی جدید عملکردی را ایجاد می کند. بطوریکه این انطباق با خود کارآمدی و ارتقاء تاب آوری، از آشفتگی در روند زندگی جلوگیری کرده و به استقلال مالی به معنای رفع نیازها منجر می شود. بهر حال در ادبیات توانمندسازی رفاه اجتماعی پایدار در زمینه ی ارتقاء تاب آوری نوعی نوع آوری محسوب می شود. به نظر می رسد در شرایطی که سیاست گذاران توانمند سازی رفاه اجتماعی پایدار (کمیته امداد امام (ره)، سازمان برنامه و بودجه، سازمان بهزیستی، تامین اجتماعی، بنیاد شهید و امور ایثارگران، هلال احمر، رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی، مراکز خیریه و NGOها و خانواده ها) نباید از تئوری ها و شاخص های در زمینه ارتقاء تاب آوری غافل شوند. لازم بذکر است که نتایج فوق با یافته های پژوهش شهبازی(۱۳۸۳)، محسن جلالی(۱۳۸۴)، معیدفر و حمیدی، (۱۳۸۶)، شکوری، علی(۱۳۸۷)، حسینی و رهنورد (۱۳۸۷)، رهنورد، فرج اله (۱۳۸۷). نازک تبار و ویسی (۱۳۸۷)، سروش مهر، کلانتری و شعبانعلی فمی(۱۳۸۹)، فلاحی و شهبازی (۱۳۹۰)، کیمیائی (۱۳۹۰)، هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۹۱)، کلدی و سلحشوری (۱۳۹۱)، چرمچیان لنگرودی (۱۳۹۱)، نصرالله پور افکاری(۱۳۹۱)، بریمانی و نیک منش (۱۳۹۱)، رفیعی و همکاران(۱۳۹۲)، وکیل حیدری ساریان (۱۳۹۲)، چرمچیان لنگرودی و علی بیگی(۱۳۹۲)، واعظی (۱۳۹۲)، محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۳)، شیخ خطیبی (۲۰۱۱)، کلانتری و همکاران (۲۰۱۰)، الشیک و الامن (۲۰۱۳)، حیدری ساریان وکیل(۲۰۱۵)) همخوانی دارد.

منابع

۱. اسماعیلی، رضا. ۱۳۸۵، "بررسی شاخصه های توسعه اجتماعی و سد بندی آن در شهرستان های استان اصفهان" پایان نامه دکترا، دانشگاه اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی
۲. باری، نورمن، (۱۳۸۰)، رفاه اجتماعی، ترجمه اکبر میرحسینی، مرتضی نور بخش، تهران: انتشارات سمت
۳. بدری، سیدعلی؛ نعمتی، مرتضی. (۱۳۹۰) "چالش های مدیریت روستایی در ایران و آرایه سیاست های راهبردی". سیاستگذاری، سال دوم، ش ۲ (بهار) ۱۴۷-۱۸۰:
۴. بریمانی، فرامرز؛ نیک منش، زهرا. (۱۳۹۱) "بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی (نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس)".
۵. چرمچیان لنگرودی، مهدی (۱۳۹۱)، مدل یابی شاخصهای توانمندسازی روان شناختی کشاورزان استان مازندران، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، شماره ۴، صص ۳۰۷-۳۱۴
۶. چرمچیان لنگرودی، مهدی؛ علی بیگی، امیرحسین (۱۳۹۲) "بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی روان
۷. حق جو، ناصر، ۱۳۸۱، ((رفاه اجتماعی و توسعه) مروری بر کارکردهای برخی نهادهای حمایتی در ایران)) فصل نامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم شماره ۶.
۸. خانی، فزیله، سیدحسن مطیعی لنگرودی و لیلا صیاد بیدهندی، (۱۳۹۱)، ارائه الگوی توانمندسازی زنان روستایی استفاده کننده از ICT (بررسی موردی: بخش مرکزی شهرستان لاهیجان)، مجله توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۸.

۹. دانایی فرد، حسن؛ اسلامی، آذر (۱۳۸۹). کاربرد نظریه داده بنیاد در عمل: ساخت نظریه بی تفاوتی سازمانی. انتشارات دانشگاه. امام صادق، تهران، چاپ اول، ص ۱
۱۰. شناختی زنان روستایی". فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال چهارم، ش ۱۱ (بهار: ۱۶۵-۱۹۲).
۱۱. عنابستانی، علی اکبر، حمید شایان، رضا خسروبیگی و علیاکبر تقی لو (۱۳۹۰)، نقش ویژگی های مکانی- فضایی مشارکت در توانمندسازی اقتصاد روستایی (مورد: دهستان ایجرود بالا شهرستان ایجرود)، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، شماره ۴، صص ۱۳-۱.
۱۲. فیتزپتریک، تونی. (۱۳۸۱)، ((نظریه رفاه))، ترجمه: هرمز همایون پور، تهران: انتشارات موسسه پژوهش تامین اجتماعی گام نو
۱۳. قلی پور، آرین و اشرف رحیمیان، (۱۳۸۸)، رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگ و آموزش با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۴۰، صص ۲۹-۶۲.
۱۴. کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و زهرا فرخی راستابی، ۱۳۸۲، توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷، پاییز ۳۰-۵.
۱۵. کلدی، علیرضا، سلحشوری، پروانه. (۱۳۹۱) "بررسی حمایت های اجتماعی بر توانمندسازی زنان". مطالعات اجتماعی توسعه ایران، سال چهارم، ش ۴ (پاییز): ۲۲-۷.
۱۶. کیمیائی، علی. (۱۳۹۰) "شیوه های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار". فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، ش ۴۰ (بهار: ۹۹-۶۳).
۱۷. محمدی یگانه، بهروز، مهدی چراغی، کبریا احمدی، (۱۳۹۳) بررسی آثار اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی روستایی (مطالعه موردی: دهستان غنی بیگلر شهرستان زنجان) - فصلنامه علمی، پژوهشی جغرافیا و توسعه، شماره ۳۵، صص ۲۴۷-۲۳۳
۱۸. مدرس زاده، شیوا، نوابخش، مهرداد، نوذری، حسینعلی، (۱۳۹۷)، عوامل مؤثر بر توانمند شدن زنان نخبه سیاسی (مورد مطالعاتی: زنان نماینده در مجلس شورای اسلامی) پژوهش نامه زنان، سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷.
۱۹. میرزایی، حسین، غلامرضا غفاری و علیرضا کریمی، (۱۳۸۹)، توانمندسازی، صنعتی شدن و عوامل زمینهای مؤثر بر آن (مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان قروه)، فصلنامه پژوهشهای روستایی، شماره ۴، صص ۹۹-۱۲۸.
۲۰. نوابخش، مهرداد، ازکیا، مصطفی، وثوقی، منصور، مشیر استخاره، زهرا سادات (۱۳۹۴)، ارزیابی عوامل مؤثر بر توانمندی اقتصادی (مطالعه موردی: زنان آسیب پذیر در شهر تهران)، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری سال سوم، شماره دوازدهم، صفحات ۲۰-۱، پاییز ۹۴.
۲۱. نوابخش، مهرداد، ثانوی، نسیم (۱۳۹۳)، بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی (مطالعه موردی: منطقه ۱۶ شهر تهران) فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال هشتم، شماره دوم (۲۵)، تابستان ۱۳۹۳
۲۲. نوابخش، مهرداد، فدوی، جملیه (۱۳۸۷) بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری (مطالعه موردی منطقه ۵ تهران) پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم ۸۷ بهار / شماره اول
۲۳. نوابخش، مهرداد، پور یوسفی، حمید، (۱۳۸۵) نقش دین و باورهای مذهبی بر سلامت روان، مجله پژوهش دینی - شماره چهاردهم زمستان، ۱۳۸۵.
۲۴. هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شالی، (۱۳۹۰) آنا تومی رفاه اجتماعی، تهران، انتشارات جامعه و فرهنگ (زیر چاپ).

1. Abraham, J. A. (2011), Measurement of Social Empowerment of Farmers in SHGS: Evidence from India, International NGO Journal, Vol. 6(12), December 2011, pp. 255-261.
2. Akpabio, I., (2009), Women NGOs and rural women empowerment activities in the Niger Delta, Nigeria. Environment, Development and Sustainability, 11:307-317. DOI 10.1007/s10668-007-9112-5
3. Abayomi, A., & Abadat, A., (2014), the Roles of Selected NGOs in Economic Empowerment of Rural Women in Ibadanland, Nigeria. Academy of Management Journal, 39:PP.483-504.
4. Drolet, J., (2010), Women, micro credit and empowerment in Cairo, Egypt, International Social Work
5. Elsheikh, S., & Elamin, S., (2013), the Economic Empowerment of Urban Women in Sudan: Empirical Analysis. The Journal of American Academy of Business, Cambridge Vol. 19, No.
6. Evan, J., (2006), Multiplex Developments Perth, WA, New Urbanism in Australia and New Zealand, CNU XIV Providence .
7. Evans, E. N., (2010), Liberation Theology, Empowerment Theory and Social Work Practice with the Oppressed International Social Work, PP.234-235
8. Hill, Catherine (2011). "Enabling Rural Womens Economic Empowerment". Institutions, opportunities, and participation, Ghana, Vol. 1, No. 2-3: 20-23.

9. Jose, G., & Mampilly, S. R. (2014). Psychological Empowerment as a Predictor of Employee Engagement: An Empirical Attestation. *Global Business Review*, 15(1), 93-104
10. Kyem, P.A.K., (2004), Power, Participation, and Inflexible Institutions: An Examination of the Challenges to Community Empowerment in Participatory GIS Applications. *Cartographica*, 38(3&4): pp.5-17
11. Rathgeber, M. (2011). "Rural Womens Access to Science and Technology in the context of Natural Resource Management". *Sociological Inquiry*, Ghana, ottawa, Vol. 74, No. 7: 50-52
12. Shaikh khatibi, Indira M. (2011). "Empowerment of Women through self help Groups and environmental management". *Experiences of NGOs in karnataka state, India*, Vol. 34, No. 1: 29-40.
13. Srinvas, H., (2007), Reforming Agricultural Development Banks, CGAP and Working group on Agricultural Development Srinivas, PP. 40-41.